

کمال‌گرایی در آثار عطار براساس دیدگاه اخلاقِ مراقبت و همدلی نل نادینگز*

پروانه درویش ^{۱۵}* - فاطمه حیدری ^{۱۵}** - نسترن صفاری ^{۱۵}*** - شهرزاد شیدا ^{۱۵}****

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرفانی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ ه. ق)، در آثار خویش به موضوع انسان، کمال و سعادت او و راه‌های رسیدن به آن پرداخته است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، تلاش دارد تا وجوه اشتراک کمال‌گرایی را در آثار عطار براساس آرای نل نادینگز (قرن بیستم) - مفسر تعلیم و تربیت - در خصوص اخلاق مراقبت و همدلی به مثابه نظام ارزشی انسانی تبیین سازد. محور معنویت، در زندگی آدمی، در جهت کمال و ارتقای روحانی انسان، اهمیت وافری دارد. براساس باور نل نادینگز، مراقبت، اساس روابط انسانی را تشکیل می‌دهد. براساس ماحصل تحقیق، روابط مراقبتی، همدلی و توجه به دیگری دارای اهمیت ویژه‌ای در اخلاق مراقبت است؛ به نحوی که کل زندگی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمام فعالیت‌های ما و ارزش‌های زندگی، حول مراقبت نظم پیدا می‌کند. آثار عطار نیز مؤلفه‌های اخلاق مراقبت را بازنمایی می‌کند و دارای تمامی ویژگی‌های اخلاق مراقبت هستند. اخلاق مراقبت در آثار عطار، نگرشی اخلاقی مبنی بر انسجام‌بخشی مطلوب به جامعه است و به عنوان ارزشی انسانی، مد نظر قرار می‌گیرد و می‌تواند در جامعه ترویج شود تا در کنار سایر رویکردهای اخلاقی، پاسخ‌گوی بخشی از نیاز امروزی جامعه باشد. **کلیدواژه:** عطار نیشابوری، عرفان، نل نادینگز، اخلاق مراقبت، همدلی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

*Email: darvishparvane@gmail.com

**Email: fateme_heydari10@yahoo.com (نویسنده مسئول)

***Email: safarinastaran@yahoo.com

****Email: shahrzadsheyda@gmail.com

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج است.

مقدمه

در عصر معاصر، استفاده از دیگر علوم و دانش‌ها در ادبیات رواج یافته است. در میان تحقیق‌های بین رشته‌ای، پیوند ناگسستنی بین ادبیات، فلسفه و روان‌شناسی و غیره وجود دارد که علاقه‌مندان و نظریه‌پردازان معاصر با بررسی متون ادبی کهن به آن می‌پردازند «ارتباط روان‌شناسی به عنوان دانشی که به بررسی ذهن و رفتار انسان می‌پردازد، با ادبیات که موضوع آن انسان است، چنان نزدیک است که شاخه‌ای به نام روان‌شناسی ادبی بر اساس مشترکات این دو دانش به وجود آمد.» (ولک و وارن، ۱۳۸۲، ۸۲) بهره‌گیری از آراء روان‌شناسان و نظریات آن‌ها، امکان بهتری برای تحلیل اندیشه و آثار اهل ادب فراهم می‌کند. در این میان مکاتب انسان‌گرایی همانندی و همسانی زیادی با عرفان دارد. در قرن بیستم مکتب روان‌شناسی انسان‌گرا^۱ روی کار آمد «روان‌شناسی انسان‌گرایی از رویکرد اگزیستانسیالیسم^۲ که ریشه در فلسفه دارد، نشأت گرفته که مشخص‌ترین اصل اگزیستانسیالیست‌ها توجه به هستی و ماهیت بودن انسان است... طبق این دیدگاه عمده‌ترین عاملی که انسان را به حرکت وامی‌دارد، نگرشی است که او نسبت به خود و دنیای اطرافش دارد؛ بنابراین انسان‌گرایان هرگونه جبری را در زمینه‌های زیستی، اجتماعی، اقتصادی و روانی رد می‌کنند.» (گنجی ۱۳۸۶: ۲۰) انسان در پهنه وسیعی از امکان‌ها و بدیل‌ها متولد می‌شود و اگر از خویشتن مراقبت نکند، بی‌شک در میانه این موقعیت‌ها و بدیل‌های متضاد گرفتار می‌شود و نمی‌تواند شاکله وجودی خویش را به بهترین شکل ممکن بیافریند. اما مسئله بر سر نحوه مراقبت شدن و آگاهی فرد از این مراقبت شدن است. (دانایلی ۱۳۹۳: ۸۷) آگاهی‌ای که به انتخاب یا رد این مراقبت، به عنوان سبکی برای تغییر خویشتن در زندگی فرد می‌انجامد. اگر نفس تربیت را مراقبت از خود و دیگری، با هدف ایجاد تغییرات مطلوب در نظر بگیریم؛ این تربیت به تعداد وجوه زندگی انسانی در حال اجرا شدن است.

مکتب عطار نیشابوری، مکتب انسان‌گرایی است؛ همین خصوصیات عطار از او یک شاعر مدافع انسان و دغدغه‌مند می‌سازد و اودر آثار خویش می‌کوشد تا انسان‌های آگاه و کامل پرورش دهد. در مکتب «انسان‌گرایی» وی تلاش برای بالا بردن سطح خودآگاهی انسان و کشف توانمندی‌های بشر به عنوان هدف مطرح است. از سویی، یکی از طرفداران و نظریه‌پردازان مکتب انسان‌گرایی نل نادینگز است. وی ویژگی‌هایی را برای افراد در مسیر رشد و شکوفایی برمی‌گزیند که با دیدگاه عطار همسانی و همانندی دارد. استفاده از دستاوردهای دانش روان‌شناسی در ادبیات، ابزاری سودمند در تحلیل در متون ادبی است. از این دیدگاه می‌توان آثار عطار را براساس نظریه اخلاق مراقبت و همدلی نل نادینگز^۱ بررسی و تحلیل کرد.

هدف و ضرورت پژوهش

با توجه به نیاز جامعه امروز به ترویج همدلی و ترمیم اعتماد، روابط مراقبتی، مسئولیت‌پذیری و هم‌بستگی از یک سو و تأثیر ارزش‌های انسانی از سوی دیگر، شناسایی و معرفی آثار ادبی در این زمینه که مروج مؤلفه‌های اخلاق مراقبت هستند، اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند.

روش و سؤال پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، درصدد است تا به این پرسش‌ها ذیل پاسخ دهد:

- (۱) ویژگی‌ها و شاخص‌های اخلاق مراقبت از نظر نل نادینگز در آثار عطار کدامند؟
- (۲) اخلاق مراقبت از دید عطار و نادینگ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟

پیشینه پژوهش

برخی از آثار منتشر شده در باره اخلاق مراقبت و همدلی به شرح ذیل است:

غفاری (۱۳۸۵)، در مقاله «عاطفه‌گرایی در اخلاق پیشینه تاریخی تا پست مدرن» بیان می‌کند که رویکرد غمخواری یا احساس مسوولیت، یکی از چند رویکرد عمده معاصر در فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی است که می‌توان آن را در زمره نظریه‌های عاطفه‌گرا قرار داد. مهدی‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «نظریه اخلاق عرفانی عطار نیشابوری» اخلاق عرفانی عطار را در قالب یک نظریه اخلاقی منسجم تبیین ساخته تا براساس آن ملاک تعیین ارزش اخلاقی افعال از نظر وی مشخص شود. بررسی و تأمل در اشعار عطار بیان‌گر آن است که سه نظریه متعارف اخلاق هنجاری؛ یعنی نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی از دل آثار او استخراج پذیر است، اما این سه نظریه هم با برخی مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی اخلاق عرفانی عطار و هم با یکدیگر سازگار نیستند، از اینرو نمی‌توان با ابتدای صرف به هر یک از آن‌ها اخلاق عرفانی عطار را توضیح داد. البته با تلفیق سه مفهوم فضیلت، غایت و وظیفه با یکدیگر در ذیل فضیلت‌گرایی اخلاقی می‌توانیم برای اخلاق عرفانی عطار نظریه اخلاقی واحد و منسجمی پیشنهاد کنیم. شمس‌نیا و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «اخلاق نوع‌دوستی در آثار عطار نیشابوری» توضیح داده‌اند که اخلاق نوع‌دوستانه از جمله مضامین مورد توجه اندیشمندان اسلامی به‌ویژه اهل عرفان است. از میان عرفای ایرانی، آثار عطار نیشابوری از نظرگاه پرداختن به مفاهیم بشردوستانه قابل توجه است. عطار هم به دلیل کثرت آثار و هم به دلیل آشنایی با مبادی فقه و تفسیر، به نوع انسان، عنایت ویژه داشته است. رضائی (۱۳۹۹)، در مقاله «مصیبت‌نامه عطار نیشابوری؛ آمیزه‌ای از اخلاق عملی و عرفان (با تکیه بر حکایت‌ها)» به روش تحلیل محتوایی و آماری، مصیبت‌نامه را بررسی کرده و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست که «کدام مضامین و محتواهای اخلاقی و اندرزی در نگاه عرفانی عطار در مصیبت‌نامه برجسته‌تر است؟» و «آیا عرفان عطار به حکمت عملی نزدیک است؟ نتیجه مهم این پژوهش

این است که اکثر ابیات تعلیمی و اندرزی عطار در حکایات کوتاه بیان شده است و سخنان پیر به سالک فکرت، بیشتر جنبه عرفانی دارد.

آنچه از این پژوهش‌ها بر می‌آید آن است که تنها موضوع اخلاق در آثار عطار نیشابوری بررسی شده‌اند و با موضوع پژوهش حاضر «کمال‌گرایی در آثار عطار براساس دیدگاه اخلاق مراقبت و همدلی نل نادینگز» در جنبه‌های مختلف، تفاوت‌های بنیادینی دارد. در باره نظریه نل نادینگز نیز مقالات ذیل بررسی شد:

موحد و همکاران (۱۳۸۷)، در مقاله «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمد غزالی و نل نادینگز درباره تربیت اخلاقی» را در نشریه اندیشه دینی چاپ کرده‌اند. براساس نتایج مقاله مذکور مبانی فلسفی دیدگاه غزالی در تربیت اخلاقی، متاثر از قرآن کریم، فلاسفه اسلامی و یونانی است؛ ولی مبانی اخلاقی روان‌شناختی تربیت اخلاقی نادینگز با توجه به غمخواری، خوداخلاقی و ارتباط متقابل بیان می‌شود. ذبیح‌نیا (۱۴۰۳)، در مقاله «تحلیل آثار سعدی بر اساس نظریه اخلاق غمخواری از دیدگاه نل نادینگز» نشان می‌دهد که برخی اشعار و حکایت‌های سعدی با مصادیق و مبانی نظری و مفاهیم اخلاق مراقبت و غمخواری و نظریه‌های تربیتی نل نادینگز (متولد ۱۹۲۹ م.) فیلسوف تعلیم و تربیت آمریکایی مطابقت و مشابهت دارد. همچنین نتیجه می‌گیرد که دل‌مشغولی عاطفی برای دیگران و غمخواری برای عامه مردم در سطح جهانی در آثار سعدی نمود گسترده‌ای دارد. توجه به ارزش‌های انسانی و دل‌مشغولی عاطفی از اهم رویکرد سعدی در اخلاق ارتباطی است. احمدی هدایت و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «تحلیل آراء و اندیشه‌های فلسفی تربیتی نادینگز و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی» نشان می‌دهند که مهم‌ترین مبانی فلسفی نادینگز شامل عاطفه‌گرایی، هستی‌گرایی، پدیدار شناسی و فمینیسم است. اهداف تربیت، مشتمل بر ترکیب تجارب آموزشگاهی با ارزش‌هایی همچون عشق و علاقه به یادگیری، مهربانی، احترام به خود و تربیت شهروندان دموکراتیک است. عسگری و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «غمخواری در فرآیند آموزش: مؤلفه‌های آموزش غمخورانه نادینگز و میزان کاربست آن توسط معلمان دوره ابتدایی»، نشان می‌دهند میزان

کاربست آموزش غمخوارانه توسط معلمان دوره اول ابتدایی شهر اصفهان با میانگین ۳.۸۶ به طور معناداری بالاتر از حد متوسط (۳) و در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. ذبیح‌نیا عمران (۱۴۰۲)، در مقاله «تحلیل فرزندنامه سرایی بر اساس نظریه اخلاق غمخواری نل نادینگز» بیان می‌دارد که برخی ابیات فرزندنامه‌های منظومه‌های غنایی با مصادیق و مبانی نظری و مفاهیم اخلاق مراقبت و غمخواری و نظریه‌های تربیتی از دیدگاه نظریه غمخواری نادینگز مطابقت دارد. دل‌مشغولی عاطفی برای دیگران و غمخواری برای عامه مردم در فرزندنامه‌ها نمود گسترده‌ای دارد. توجه به ارزش‌های انسانی از اهم رویکرد شاعران در اخلاق ارتباطی است. همو (۱۴۰۳)، در مقاله «بررسی اخلاق مراقبت در رمان پاییز فصل آخر سال است از نسیم مرعشی از دیدگاه ویرجینیا هلد» بیان داشته است که در رمان پاییز فصل آخر سال است، شخصیت شبانه و لیل، بیشترین خصایل همدلی و غمخواری را دارند. آنان بیشترین خوشی یا رضایت را برای نزدیکان و اطرافیان خود خواهانند. از دید آن‌ها دیگران شایسته و مناسب مراقبت ما هستند و اخلاق مراقبتی در زندگی و مراقبت از دیگری به زندگی آنان معنا می‌بخشد. نادری‌فر و ملکی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی روش‌های آموزشی سعدی در گلستان با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت نل نادینگز» آورده‌اند که سعدی در برخی از حکایات، از فرآیند تربیت پذیری خود سخنانی به میان آورده که در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت نل نادینگز قابل بررسی است.

نظریه اخلاق مراقبت و همدلی براساس دیدگاه نل نادینگز

نل نادینگز (متولد ۱۹ ژانویه ۱۹۲۹) فیلسوف تعلیم و تربیت آمریکایی است که به طور خاص به خاطر دیدگاه‌های خود در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت، نظریه‌های تربیتی و اخلاق مراقبت شناخته شده است. نادینگز در سال ۱۹۸۴م. اخلاق مراقبت یا غمخواری را در اثری با عنوان «مراقبت: رویکردی فمینیستی به اخلاق و تربیت اخلاقی» مطرح کرد. بیشتر کتاب‌های دیگر نادینگز در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت

است که مهم‌ترین آن با عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت» در سال ۱۹۹۵ م. منتشر شد. علاوه بر فلسفه، نادینگز در زمینه روانشناسی اجتماعی نیز آثاری دارد. در نگاه نادینگز، «مراقبت پایه‌ای از فضیلت یا فضایل است. از سوی دیگر، او معتقد است که توجه محوری به فضایل موجب می‌شود که ما بر امور درونی فاعل اخلاقی تمرکز کنیم و از ارائه معیار یا معیارهای اخلاقی برای سنجش اعمال دور شویم.» (نادینگز ۱۹۸۴: ۹۴)

همچنین مراقبت^۱ کردن گونه‌ای از هستی و بودن^۲ است. مراقبت، مفهوم بزرگی است که شامل مجموعه‌ای از رفتارهای بر پایه نگرانی، شفقت، اهمیت، توجه و تعهد به یک فرد یا گروهی از افراد است. شفقت، بهترین مترادف مراقبت در فلسفه آموزشی نادینگز است، شفقت، محبت بی چشمداشت است. درگیر شدن عاطفی، غمخواری و خود را به جای دیگری گذاشتن است. در نظریه اخلاق غمخواری نادینگز در این مسلک «رفتار اخلاقی هراسانی مبتنی بر حس همدردی و همدلی است تا به واسطه آن انسان در لذت و الم و شادی و غم دیگران شرکت می‌کند. به عبارت دیگر، طبق این دیدگاه اخلاقی بودن یعنی مطابق حس همدردی رفتار کردن است.» (غفاری ۱۳۸۵: ۱۵۴) از نظر اخلاق گرایان مراقبت، برای حل معضلات اخلاقی ضروری است. گوهر وجودی این رویکرد اخلاقی مراقبت است. اخلاق مراقبت احساساتی مانند همدردی^۳، همدلی^۴، حساسیت^۵ و پاسخ‌گویی^۶ را به عنوان «احساسات اخلاقی» (هلد^۷ ۲۰۰۶: ۱۰) به رسمیت می‌شناسد. تأکید اخلاق مراقبت بر بهبود و ارتقای روابط میان افراد است. بر اساس این نظریه، ما وظیفه‌ای اخلاقی در مراقبت از دیگران داریم. مراقبت مذکور معطوف به رفع نیازهایی از دیگران است که خودشان قادر به تأمین آن نیستند. البته مسئولیت اصلی ما مراقبت از خود است. ما موظفیم تا حد ممکن از خود مراقبت کنیم تا بار مراقبت از خود را بر دوش دیگران و منابع اجتماعی نگذاریم.

1. caring
3. Sympathy
5. Sensitivity
7. Held

2. Mode and being
4. Empathy
6. Responsiveness

مسئولیت ثانویه ما مراقبت از کسانی است که رابطه‌ای خاص با آن‌ها داریم؛ یعنی فرزندان، والدین، همسر، دوستان و نزدیکان. مسئولیت بعدی ما مراقبت از اعضای جامعه است و آخرین مسئولیت ما مراقبت از همه نیازمندان است. در مجموع، دیدگاه نل نادینگز به عنوان یکی از مهم‌ترین تقریرهای فلسفه رویکرد غمخوارانه به اخلاق و تربیت تلقی می‌شود.

بحث و بررسی

الف) روش و شیوه اخلاق مراقبت در آثار عطار براساس دیدگاه نادینگز

۱- الگودهی: از دید نادینگز، سرمشق بودن^۱ و الگودهی، در اخلاق مراقبت عاملی حیاتی است، زیرا: اولاً هدف اصلی نشان دادن نحوه ارتباط با فرد مورد غمخواری است. دوماً ظرفیت غمخواری بستگی به تجارب مناسب فرد مورد غمخواری دارد. (نادینگز ۱۹۸۴: ۲۲) به نمونه‌های زیر از آثار عطار در این زمینه توجه فرمایید.

علم در دنیا چون چراغی راهنماست:

جمله تاریکی است این محنت‌سرای
علم در وی چون چراغی رهنمای
(عطار ۱۳۹۱: ۲۲۰)

مقام پادشاهی گذرا و موقتی است و اعتباری ندارد:

پادشاهها من به چشم اعتبار	آفت این ملک دیدم آشکار
من ندارم با سپاه و ملک کار	می‌کنم زنبیل‌بافی اختیار

(همان: ۵۸)

مال دنیا بی‌ارزش است:

بر سرا و قصر خود چندین مناز
رخش کبر از سرکشی چندین متاز
(همانجا)

اشعار حکمت‌آمیز با ارزش هستند، اما در مقابل اشعار مدحی پوچ و هیچ هستند و اعتبار ندارند:

شعر اگر حکمت بود طاعت بود	قیمتش هر روز و هر ساعت بود
شعر بر حکمت پناهی یافته‌ست	کو به «یؤتی الحکمه» راهی یافته‌ست
شعر مدح و هزل گفتن هیچ نیست	شعر حکمت به، که در وی پیچ نیست

(عطار ۱۳۹۹: ۱۵۳)

احتیاط در زندگی ضروری است، مانند آن خربنده که دو خر داشت، وقتی سوار بر یک خر می‌شد افسار خردوم را بردست خویش می‌بست:

یکی نیکو مثل زد پیر هندو	که این و آن نیاید راست هر دو
چو آن خربنده بر یک خر نشستی	دگر خر را رسن بر دست بستی
تو را دل در دو خر بینم نهاده	نترسی کز دو خر مانی پیاده؟

(همو ۱۳۹۲: ۱۶۲)

عشق بازی نیست و آدمی را چون دریا بیکرانه می‌کند:

الا ای بی‌خبر از عشق‌بازی	تو پنداری که هست این عشق، بازی...
ازو می‌خواه تا دریا بباشی	هم اندر خویش نابینا بباشی

(همان: ۱۱۴)

۲- تأیید: نادینگز تأکید می‌کند که تأیید و تصدیق دیگری، بخشی بنیادین از کنش مراقبت است. زمانی که فردی را تأیید می‌کنیم، در حقیقت به فرایند تکوین و گسترش خود بهتر در او یاری می‌رسانیم. این تأیید نه تنها به دیگری امکان می‌دهد تا تصویری مثبت‌تر و فعال‌تر از خویش‌تن بسازد، بلکه خود اخلاقی تأییدکننده را نیز در مسیر بالندگی قرار می‌دهد. از منظر نادینگز تأیید به معنای واکنشی اصیل و همدلانه نسبت به دیگری است؛ یعنی وقتی فرد در ارتباط با دیگری مورد تأیید قرار می‌گیرد، تمایل می‌یابد با آن فرد هم‌داستان و هم‌رنگ شود و نوعی هماهنگی درونی و بیرونی با او برقرار کند. در این معنا، تأیید نه تنها عنصری اخلاقی بلکه سازوکاری روان‌شناختی و اجتماعی است که پیوندهای انسانی را تحکیم می‌بخشد و زمینه رشد متقابل را فراهم می‌سازد تا «شخصیت بهتری را برای خودمان در نظر بگیریم.» (نادینگز

۱۹۹۲: ۲۵) عطار تایید می‌کند که فضیلت بخشندگی در ارتباط مستقیم با رشد و کمال است:

آنکه بر بی‌رحمتان، رحمت کند اهل رحمت را ولی‌رحمت کند
هر که را باشد چنان بخشایشی کی تغیر یابد از آلالشی
(عطار ۱۳۹۱: ۱۲۱)

انصاف داشتن نشانهٔ مردانگی و مورد تایید همگان است:

محتسب آن مست را می‌زد به زور مست گفت‌ای محتسب کم کن تو شور
هر که او انصاف دارد مرد اوست ورنه اوتر دامن و نامرد اوست
(همان: ۲۰۲)

منطق‌الطیر، در تمجید عاشق صادق که مورد تأیید حق قرار می‌گیرد:

عاشقی را که صدق از او خیزد نزد حق نیز، عشق انگیزد
(همان: ۱۵۰)

۳- **گفت‌وگو:** گفت‌وگو^۱ نیاز اساسی در اخلاق مراقبت و همدلی است. در

گفت‌وگو، از نیازها، انگیزش‌ها و علایق دیگران آگاه می‌شویم. (نادینگز ۲۰۰۷: ۱۱)
شناخت بیشتر و غمخواری پس از گفت‌وگو حاصل می‌شود و بدون گفت‌وگو، بیشتر نظرات بر پایه گمانه‌زنی و حدس خواهد بود. عطار در حکایت زیر از مقاله چهارم «مصیبت نامه» نقل می‌کند که بهلول برسرگوری می‌خواهد، وقتی به وی اعتراض می‌کنند تا از روی گور برخیزد، می‌گوید: مرده گفته: من از خاک برنمی‌خیزم تا تک‌تک آدمیان این جهان را به خاک و خون نکشم و مثل خودم در قبرستان خوابانم.

بر سر گوری مگر بهلول خفت همچنان خفته از آنجا می‌نرفت
آن یکی گفتش که برخیز ای پسر چند خواهی خفت اینجا بی‌خبر؟
گفت بهلولش که من آنکه روم کاین همه سوگند از وی بشنوم
گفت: چه سوگند؟ با من بازگوی گفت: شد این مرده با من رازگوی
می‌خورد سوگند و می‌گوید به راز من نخواهم کرد خاک از خویش باز

س ۲۱ - ش ۸۱ - زمستان ۱۴۰۴ - کمال‌گرایی در آثار عطار براساس دیدگاه اخلاق .../ ۵۷

تا همه خلق جهان را، تن به تن در خوابانم به خون، چون خویشتن
(عطار ۱۳۹۹: ۱۸۹)

درحکایت زیر از مقاله چهارم مصیبت‌نامه همین موضوع به شکل دیگری بیان می‌شود:

آن یکی دیوانه بر گوری بخت	از سر آن گور یک دم می‌نرفت
سایلی گفتش که تو آشفته‌ای	جمله عمر از چه اینجا خفته‌ای؟
خیز سوی شهر آی، ای بی قرار!	تا جهانی خلق بینی بی شمار
گفت: این مرده، رهم ندهد به راه	هیچ - می‌گوید - مرو زین جایگاه
زآنکه از رفتن رخت گردد دراز	عاقبت اینجات باید گشت باز
	(همان: ۱۸۹)

۴- تمرین و عمل: عامل ضروری در تربیت اخلاقی تمرین و عمل^۱ است. نادینگز معتقد است اگر بخواهیم افراد را به یک زندگی اخلاقی نزدیک کنیم لازم است که فرصت‌هایی را برای کسب مهارت غمخواری فراهم کنیم. (۱۹۹۲: ۲۳) یکی از اصول مهم در شیوه تربیت مطلوب، «عمل‌گرایی» است؛ زیرا عمل، الگوی رفتاری مناسب را در اختیار مربی قرار می‌دهد. عطار در مصیبت‌نامه می‌گوید که دنیا در ذات خود، بد نیست، زمانی بد است که قصد دیناری کنی:

نیست دنیا بد، اگر کاری کنی بد شودگر عزم دیناری کنی
(عطار ۱۳۹۹: ۳۵۶)

دنیا مانند کشتزار است که نتیجه آن به ما باز می‌گردد:

هست دنیا بر مثال کشتزار	هم شب و هم روز باید کشت و کار
زانکه عز و دولت دین سر به سر	جمله از دنیا توان برد ای پسر
... تو به دنیا در، مشو مشغول خویش	لیک در وی کار عقبی گیر پیش
.... توشه زاینجا برگرد آدم‌گوهری	کان بری آنجا کز اینجا آن بری
	(همان: ۳۵۷-۳۵۶)

بررسی اخلاق مراقبت و همدلی در آثار عطار از دیدگاه نادینگز

۱- همدلی و مراقبت از جانداران: نادینگز ویژگی محوری اخلاق را همدلی می‌داند. (۲۰۱۳: ۲۰۴) نادینگز می‌گوید که زندگی ما به زندگی حیوانات، جانداران، گیاهان^۱ و زمین وابسته است، بنابراین کیفیت در زندگی اخلاقی انسان کاملاً بستگی به ارتباطات او با دیگر انسان‌ها و همچنین با محیط پیرامون خود دارد. بسیاری از ما به این نتیجه رسیده‌ایم که کیفیت زندگی انسان‌ها به طور کامل نمی‌تواند جدا از وضعی باشد که دیگر موجودات زندگی می‌کنند، عطار در مقاله اول الهی‌نامه در حکایت «مناظره شیخ ابوسعید با صوفی و سگ» ذکر می‌کند که صوفی عصای خود را بر سگی زد. سگ زخمی و نالان به نزد بوسعید رفت و از آن صوفی شکایت کرد. بوسعید، صوفی را مؤاخذه کرد و صوفی در جواب گفت: مقصّر من نبودم، بلکه سگ تقصیر داشت، زیرا لباس مرا آلوده کرد و من نیز با عصا او را زدم. ابوسعید وقتی ناله و بی‌تابی سگ را دید، گفت: هر عقوبتی صلاح می‌دانی، من حاضرم و به جان خریدار. می‌توانی در قیامت او را مؤاخذه کنی و یا من آن مرید را عقوبت کنم. سگ در پاسخ از بوسعید خواست تا از تن آن مرد، کسوت صوفیانه را برآورد؛ زیرا از این طایفه چنین رفتاری انتظار نمی‌رود:

چو سگ را در ره او این مقام است فروزی جُستنت بر سگ حرام است
اگر تو خویش از سگ بیش دانی یقین دان کز سگی خویش دانی
(عطار ۱۳۸۷: ۱۵۲)

در مقاله سی و ششم «مصیبت‌نامه» آمده است که مردی از اولیای الهی، برف‌ها را کنار می‌زد و برای پرندگان دانه می‌پاشید. غافل از او پرسید: اکنون که هنگام کشت نیست چرا دانه می‌پاشی؟ گفت:

مرد گفتش «اینچه گویم زشت نیست کشت این است و جزین خود کشت نیست
وقت کشت من کنون است، ای پسر گر تو نشناسی جنون است، ای پسر

این زمین، کاین تخم افکندم درو از سرشکم آب می‌بندم درو
آن درو، چون وقتش آید، من کنم وان زمین را گاو در خرمن کنم
(عطار ۱۳۹۹: ۴۰۹)

عطار در مقاله سی و چهارم از مصیبت‌نامه حکایتی از حضرت موسی (ع) نقل می‌کند که کبوتری وارد آستینش شد. بازی از پشت سر درآمد و به موسی (ع) گفت: ای موسی آن را به من بده؛ زیرا روزی من، آن کبوتر است. موسی (ع) حیران ماند. کبوتری را که به او پناه آورده است، تسلیم کند و یا به گرسنه ماندن باز، رضا دهد. از باز پرسید: آیا گوشت دیگری غیر از گوشت کبوتر را می‌پذیری؟ باز گفت: اگر گوشتی بیابم برای من بهتر از کبوتر است. موسی (ع) کاردی برداشت و خواست تا ران خود را ببرد. باز با دیدن اینار موسی (ع)، به صورت اصلی خود؛ یعنی فرشته درآمد و به موسی (ع) گفت:

گفت ما هردو فرشته بوده‌ایم تا ابد از خورد و خفت آسوده‌ایم
لیک ما را حق فرستاد این زمان تا کند معلوم اهل آسمان
شفقت تو در امانت داشتن رحمت تو در دیانت داشتن
(همان: ۳۹۳)

در حکایتی مقاله ششم «مصیبت‌نامه» آمده: «سفیان ثوری» با طفلی برخورد کرد که بلبلی در قفس داشت. سفیان با دیدن اضطراب و آشفتگی حال بلبل، درازای پرداخت یک دینار به کودک، آن را آزاد کرد. بلبل روزها به بوستان می‌رفت و شب‌ها نزد سفیان بازمی‌گشت. تأثیر محبت او بر مرغ، به نحوی بود که پس از مرگ سفیان، بلبل خود را بر جنازه‌اش می‌زد و پس از خاک سپاری، آن قدر بر مزار او مقیم شد تا جان سپرد:

عاقبت چون دفن کردندش به خاک بر سر خاکش نشست آن مرغ پاک
یک زمان غایب نشد از خاک او تا برآمد نیز جان پاک او
چون چنان مرغی ز دست انسان بداد خون ز منقارش چکید و جان بداد
(همان: ۲۰۴)

حکایت «شیخ گرگانی با گربه» در مقاله سوم مثنوی «الهی‌نامه» آمده است: شیخ گرگانی گربه‌ای در خانقاه داشت که جایش در مطبخ بود ولی از تعرض و دست درازی به مواد غذایی خودداری می‌کرد تا اینکه یک شب، از مطبخ، تکه گوشتی را ربود و خادم او را تنبیه کرد. گربه نزد شیخ آمد و از خشم، در کنجی نشست. شیخ گربه را فراخواند و دلیل تعرضش را جویا شد. گربه در جواب شیخ رفت و سه بچه‌اش را آورد و نزد شیخ نهاد و خود غمگینانه بر بالای درختی رفت و دم فرو بست. شیخ وقتی متوجه قضیه شد، از دست خادم عصبانی شد و با خود گفت: گربه در این کار، گناهی ندارد؛ زیرا به خاطر نیاز بچه‌هایش این کار را کرد:

ز گربه آنچه کرد او نه غریب است	که پیوند بچه کاری عجیب است
ترا تا بچه‌ای ظاهر نگردد	غم یک بچه در خاطر نگردد

(عطّار ۱۳۹۹: ۱۵۵)

آن‌گاه، شیخ از خادم خود خواست تا از گربه عصبانی و غمدیده، دلجویی کند. خادم، دستار خود را به نشانه استغفار، کنار گربه نهاد. گربه به استغفار او وقعی ننهاد، اما با شفاعت شیخ، از درخت پایین آمد:

اگر صد عالمت پیوند باشد	نه چون پیوند یک فرزند باشد
کسی کو فارغ از فرزند آمد	خدای پاک بی مانند آمد

(همان: ۱۵۶)

۲- دل‌مشغولی برای غریبه‌ها: مبحث دل‌مشغولی برای اشخاص غریبه^۱ و ناآشنا، به موضوع غمخواری در جهان گسترده و غریبه‌ها می‌پردازد. البته تحقق غمخواری همواره با چالش‌هایی همراه است. نادینگز تأکید می‌کند که بستر اصلی اخلاق مراقبت، رابطه‌ای دوسویه و مبتنی بر حضور متقابل است؛ از اینرو، هنگامی که با افرادی مواجه‌ایم که از ما دورند - چه به لحاظ جغرافیایی و چه عاطفی - برقراری رابطه متقابل و همدلانه دشوارتر می‌شود. در چنین شرایطی، امکان شکل‌گیری «همدلی متقابل» که بنیان مراقبت اخلاقی اصیل است، کاهش می‌یابد. بدین ترتیب،

از منظر نادینگز، در برابر کسانی که هیچ انتظار پاسخ متقابل از سوی آن‌ها نمی‌رود، الزام اخلاقی کمتری برای مراقبت احساس می‌شود. در این زمینه، مقایسه نگرش نادینگز با رویکرد عطار به غمخواری و همدلی، چشم‌اندازی متفاوت ارائه می‌دهد. عطار، به‌ویژه در سنت عرفانی خویش، مرز میان خویشتن و دیگری را فرو می‌ریزد و غمخواری را نه صرفاً در رابطه‌های دوسویه انسانی، بلکه در نسبت میان انسان و حقیقت متعالی پی می‌گیرد. در سلوک عرفانی عطار، همدلی و مراقبت، حتی بدون امید به بازگشت یا پاسخ، نشانه‌ی بلوغ روحی و گامی در مسیر کمال هستند. از اینرو، می‌توان گفت که عرفان عطار افقی از اخلاق مراقبت را ترسیم می‌کند که از چارچوب مشروط متقابل نادینگز فراتر می‌رود. هرچند نادینگز «غمخواری افراد غریبه را برای عبور از القائنات قومی و پیوستن به حقوق جهانی حائز اهمیت می‌داند.» (۱۹۹۲: ۱۱۰) در اشعار عطار توجه به همهٔ مردم جهان مد نظر است:

هرکه از شفقت نگاهی می‌کند	شیوهٔ خُلق الهی می‌کند
در ترازو هیچ‌چیز از هیچ جای	نیست بیش از خُلق با خُلق خدای
(عطار، ۱۳۹۹: ۲۰۴)	
هرکه را یک ذره خَلّت دست داد	هر دمش صد گونه دولت دست داد
(همان: ۳۷۰)	

در *سرانامه* آمده است که پشه‌ای از باد به حضرت سلیمان شکایت می‌برد. سلیمان نبی (ع) مصمم است تا مشکل پشه و باد را حل و فصل کند:

یکی پشه شکایت کرد از باد	به نزدیک سلیمان شد به فریاد
سلیمان پشه را نزدیک بنشاند	پس آنگه باد را نزدیک خود خواند
چو آمد باد، از دوری، به تعجیل	گریزان شد ازو پشه به صد میل
سلیمان گفت نیست از باد بیداد	ولیکن پشه می‌تواند استاد
(همان: ۱۲۶)	

۳- دل‌مشغولی عاطفی: غمخواری مفاهیمی چون نگرانی، همدردی، همدلی، نوع‌دوستی، دلسوزی، شفقت، خیرخواهی، نیکی و مهربانی را شامل می‌شود. «تکیه

اصلی غمخواری برارتباط است.» (غفاری ۱۳۸۱: ۱۷۹) غمخواری^۱ حالتی از رنج روانشناختی یا مجذوبیت^۲ است. غمخواری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در نظریه اخلاق مراقبت نل نادینگز، یک وضعیت روان‌شناختی پیچیده و میان‌ذهنی است که با تجربه همزمان اضطراب، نگرانی یا حساسیت عاطفی نسبت به وضعیت فردی دیگر همراه است. این حالت، نه صرفاً واکنشی احساسی، بلکه نتیجه‌ی فرآیندهای شناختی - عاطفی و رابطه‌محور است که فرد را وادار می‌سازد به موقعیت دیگری از منظر همدلی و توجه پاسخ دهد. در چارچوب نظری نادینگز، غمخواری به‌مثابه یک واکنش اخلاقی اصیل، از ارزش‌گذاری بر نیاز، رنج و کرامت دیگری برمی‌خیزد و به شکلی از مراقبت فعال و مسئولانه منتهی می‌شود.

در پرتو این نگاه، غمخواری را می‌توان در آثار عطار، به‌ویژه در جریان سلوک عرفانی و جست‌وجوی کمال، نیز باز یافت. در متون او، رابطه‌ی میان سالک و دیگران (چه پیر و چه هم‌سفران) اغلب بر بنیان همدلی، شفقت و مراقبت شکل می‌گیرد. سالک نه‌تنها در پی رهایی خویش، بلکه درگیر رنج و تعالی جمعی است. از این منظر، کمال در اندیشه‌ی عطار، جدا از مراقبت و شفقت نسبت به دیگری نیست و با نگاه نادینگز، می‌توان آن را کنشی اخلاقی - عرفانی دانست که در پی پاسخ‌دهی به نیازهای روحی و وجودی دیگران، به تعالی فردی منتهی می‌شود. برای نمونه می‌توان توصیبه به پیران را در آثار عطار برشمرد. پیر به هر معنا حرمت فراوان دارد. عطار نیز به هر دو معنی پیر توجه دارد و دیگران را به احترام پیران فرامی‌خواند. در هجدهمین مقاله «سرا‌نامه» آمده است:

گرامی دار پیرانِ کهن را که در پیری بدانی این سخن را
(عطار ۱۳۹۲: ۲۲۳)

عطار در حکایتی از بیست و نهمین مقاله «مصیبت‌نامه» احترام به افراد پیر را مورد تأکید قرار داده و نقل می‌کند که شیخ گرگانی با همراهان از کوچه‌ای می‌گذشت.

نظام‌الملک (مراد ایام کودکی نظام‌الملک است)، با کودکان در آنجا مشغول بازی بود، وقتی شیخ را از دور دید، به کودکان دیگر گفت: از بازی دست بکشید تا گردوغبار فروکش کند و به دامان این مرد بزرگ ننشیند. شیخ وقتی این سخن را شنید و احترام نظام‌الملک را در حقّ خود دید، آینده‌ای بسیار روشن و خوب برایش پیش‌بینی کرد و گفت:

از بزرگی، پیر گفت‌ای طفلِ خُرد	بفکن آن چوگان که بخت گوی برد
خلق می‌کوشند تا طاقت کنند	پس نظام‌الملک آفاق کند
زین ادب زین حرمت و زین خوی، تو	ای نظام‌الملک بردی گوی، تو
گوی چون بردی به مُل، دیگر مبارز	خواج‌های چوگان بیفکن، سرفراز!

(عطار ۱۳۹۹: ۳۶۰)

عطار در حکایت «رُهبان با شیخ ابوالقاسم همدانی» از «الهی‌نامه»، احترام به گروهی از اجتماع یا افراد پیر را گوشزد می‌کند:

بزرگی را که بوی و بار باشد	برش بنشین کائر بسیار باشد
که هر کو دوستدارِ پیر گردد	همه تقصیرِ او توفیر گردد

(همو ۱۳۸۷: ۱۸۳)

عطار در «منطق‌الطیر»، در حکایت «آن خونی که صوفی او را به خواب دید در بهشت» پیر را آئینه سالک و پناهگاه و هادی وی می‌خواند:

تا نیفتد بر تو مردی را نظر	از وجودِ خویش کی یابی خبر
گر تو بنشینی به تنهایی بسی	ره بتوانی بریدن بی کسی
پیر باید راه را تنها مرو	از سرِ عمیا درین دریا مرو
پیر، مالاُبدُ راه آمد تو را	در همه کاری پناه آمد تو را
چون تو هرگز راه نشناسی زچاه	بی عصاکش کی توانی بُرد راه
نه تو را چشم است و نه ره کوته است	پیر، در راحت، قلاووز ره است

(همو ۱۳۹۱: ۳۰۷)

پیر راهنما و در همه امور پناه است و بدون عنایت وی طی طریق امکان‌پذیر نیست:

پیر ما لابد راه آمد تو را در همه کاری پناه آمد تو را
چون تو هرگز راه شناسی ز چاه بی‌عصاکش کی توانی برد راه
(عطار ۱۳۸۷: ۱۱۰)

انسان‌دوستی و شفقت به هم‌نوع و توصیه به مراعات حال محرومان و یاری درماندگان و ناتوانان، در آثار عطار نمود دارد: از دید نادینگز پایه و اساس تربیت اخلاقی، غمخواری است. (نادینگز ۲۰۰۲: ۱۱) غمخواری کردن عبارت از قرار داشتن در حالت ذهنی مسئولانه، اضطراب یا ترس درباره چیزی یا کسی است. (غفاری ۱۳۸۵: ۵۰) که اخلاق ارتباطی دل‌مشغولی نامیده می‌شود. نادینگز آن را حالتی از رنج ذهنی می‌داند. (نادینگز ۱۹۸۴: ۹) ارتباط غمخواری مؤثر تنها در تعامل با یک شخص زنده دیگر معنا پیدا می‌کند. (همو ۱۹۹۸: ۱۸۸) عطار در هر فرصتی سعی دارد آدمی را به همدلی فراخواند. عطار در توصیف جامعه خود، آن را فاقد روحیه همدلی و همدردی می‌داند:

رو یار خویش باش و مجو یاری از کسی کاندر دیار خویش بدیدیم یار نیست
نومید شو ز هرکه توانی و هرچه هست کامیدهای باطل ما را شمار نیست
عطاروار از همه عالم طمع ببر کاندر زمانه بهتر از این هیچ کار نیست
(عطار ۱۳۹۰: ۲۰۱)

عطار در غزل شماره ۵۷۹ نقل می‌کند:

دردا که ز یک همدم آثار نمی‌بینم دل باز نمی‌یابم دلداری نمی‌بینم
در عالم پر حسرت بسیار بگردیدم از خیل وفاداران دیار نمی‌بینم
در چار سوی عالم شش گوشه توتویش یک دوست نمی‌بینم یک یار نمی‌بینم
بسیار وفا جستم اندک قدم از هرکس در روی زمین اندک بسیار نمی‌بینم
چندان که در آن وادی کردم طلب یک گل در عرصه این وادی جز خار نمی‌بینم
تا چند درین وادی بر جان و دلم لرزم کانجا به دو جو جان را مقدار نمی‌بینم
تا چند ز نادانی دیوان جهان دارم چون مورد درین دیوان جز مار نمی‌بینم
هر روز ازین دیوان صد غم بر ما آید دردا که درین صد غم غمخوار نمی‌بینم
گر زانکه اثر بودی در روی زمین کس را زآنگونه اثر کم شد کآثار نمی‌بینم
عطار دلت بر کن، از کار جهان کلی کز کار جهان یک دل برکار نمی‌بینم
(همان: ۴۸۱)

عطار در حکایت شیخ صنعان خطاب به کسانی که هنگام بروز مشکلات، به جای همدلی و همدردی، به سرزنش و عیب‌جویی می‌پردازند، می‌گوید که خود آن‌ها نیز روزی به این مشکل دچار شوند:

زلف او چون حلقه در حلقش فکند	در زلفان جمله‌ی خلقتش فکند
گر مرا در سرزنش گیرد کسی	گو در این ره این‌چنین افتد بسی
در چنین ره کان نه‌بن دارد نه سر	کس مبادا ایمن از مکر و خطر

(عطار ۱۳۹۱: ۲۹۶)

در بستر دل‌مشغولی عاطفی، فرد به تجربه‌ای درونی از رنج و اضطراب دست می‌یابد که او را از مرزهای فردگرایی صرف فراتر می‌برد. این رنج درونی، به تعبیر نل نادینگز، لحظه‌ی بیداری اخلاقی است؛ لحظه‌ای که فرد به واسطه‌ی همدلی و توجه، خود را در موقعیت دیگری می‌بیند و نیازهای او را همچون نیازهای خود درک می‌کند. در چنین حالتی، مراقبت و کنش اخلاقی از احساس تعلق و پیوندی عاطفی با دیگری سرچشمه می‌گیرد و فرد، به‌گونه‌ای فعال، در جهت رفع نیازها و کاهش رنج دیگری می‌کوشد؛ حتی در مواردی، آن را بر آسایش و منافع شخصی خود مقدم می‌دارد.

اساس این نگرش، میل و گرایش عاطفی به دیگری است؛ نه الزام عقلانی یا تکلیف‌گرایانه. در آثار عطار نیز، به‌ویژه در قصه‌های منطق‌الطیر، تأکید بر تحکیم روابط انسانی و عبور از خودمحوری، نشانه‌ای از همین اخلاق مراقبت است. روایت‌های او، با برجسته‌سازی همدلی میان سالکان، اهمیت شفقت، و ضرورت دیدن «دیگری» به‌عنوان بخشی از مسیر کمال، در تقاطع با نگاه نادینگز به اخلاق رابطه‌محور قرار می‌گیرند. عطار در قصه‌های منطق‌الطیر، بر تحکیم روابط انسانی تأکید می‌کند:

شیخ را گفتا بگوای پاک جان	تا جوانمردی چه باشد در جهان
شیخ گفت شوخ پنهان کردن است	پیش چشم خلق ناآوردن است

(عطار ۱۳۹۱: ۲۹۹)

از دید نادینگز، رفتار اخلاقی شامل «پاسخ عاطفی انسان و غمخواری اخلاقی است، یعنی ارتباط ما از لحاظ اخلاقی با دیگران به وسیله غمخواری تبیین می‌شود.» (موحّد و همکاران ۱۳۸۷: ۴۲)

۴- دل‌مشغولی و دیگرخواهی: از دیدگاه نادینگز عاطفه‌گرایی، رفتار اخلاقی مبتنی بر حس همدردی است؛ یعنی نیرویی که به واسطه آن، انسان در لذت و درد دیگران شریک می‌شود. (غفاری ۱۳۸۱: ۱۱۴)

در چارچوب نظریه اخلاق عاطفه‌محور، ارزش اخلاقی یک کنش از انگیزه‌ی درونی فرد برای پیگیری خیر و رفاه دیگری ناشی می‌شود. بر اساس این رویکرد، مبنای قضاوت اخلاقی نه در پایبندی به قواعد انتزاعی یا اصول کلی، بلکه در کیفیت عاطفی رابطه و میل به «دیگرخواهی» نهفته است. نل نادینگز، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه، بر این باور است که رابطه‌ی اخلاقی اصیل، زمانی شکل می‌گیرد که فرد از رهگذر توجه، درک، و مراقبت عاطفی، به گونه‌ای فعال به پاسخ‌گویی به نیازهای دیگری بپردازد. بنابراین، احساس همدلی و میل عاطفی به مراقبت، به جای وظیفه یا اجبار عقلانی، نقش اصلی را در ساختار اخلاقی ایفا می‌کند.

در پیوند با آثار عطار، می‌توان دید که چنین نگاهی به اخلاق، در بسیاری از روایت‌های عرفانی او انعکاس یافته است. شخصیت‌های داستانی عطار، به‌ویژه در منطق‌الطیر، اغلب در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که کنش اخلاقی آن‌ها از شفقت، دلسوزی و میل درونی به یاری دیگری برمی‌خیزد؛ نه از ترس عقوبت یا امید به پاداش. بدین‌سان، عرفان عطار را می‌توان نمونه‌ای از تجلی اخلاق دیگرخواهانه در سنت عرفانی اسلامی دانست. عطار در آثار خود از اهمیت دیگرخواهی و لزوم عاطفه‌گرایی سخن می‌گوید:

لطف و شفقتِ مهربانی پیش گیر	راه از بهر صلاح خویش گیر
ذرّه‌ای گر شفقتِ جانت دهند	پایگاه آل‌عمرانت دهند
(عطار، ۱۳۹۹: ۳۹۲)	

این شاعر در مقدمه مصیبت‌نامه علم دین را به سه دسته مهم تقسیم کرده است: فقه، تفسیر و حدیث؛ و می‌افزاید که هرکه غیر از اینها بخواند خبیث گردد و باز مغز نجات این سه علم پاک را حسن اخلاق و تبدیل صفات می‌داند:

این سه علم پاک را مغز نجات	حسن اخلاق است و تبدیل صفات
این سه علم است اصل و این سه منبع است	هرچه گذشته ازین لاینفع است

(عطار ۱۳۹۹: ۱۵۷)

بررسی اصول و مبانی مراقبت و همدلی در آثار عطار از دیدگاه نل نادینگز

۱- ارتباط متقابل: در ارتباط متقابل، شخص غمخوار، دیگران را نه به عنوان یک فرد، بلکه به عنوان جزو وجودی یا بُعدی از خودش می‌پذیرد. (نادینگز ۲۰۰۲: ۱۷) به چند نمونه از اشعار عطار در همین زمینه توجه فرمایید:

هرکه او امروز رحمت می‌کند	حق ز عرشش نور قسمت می‌کند
هرکه او بر زیرستان شد رحیم	گشت دایم ایمن از خوف جحیم

(عطار ۱۳۹۹: ۲۰۱)

بود اول رحمت آن شهریار	این دعا با او در آخر گشت یار
لاجرم شه رستگار آمد مدام	از رحیمی نیست برتر یک مقام

(همان: ۲۰۳)

۲- غمخواری اخلاقی: از دیدگاه نادینگز، مبنای اصلی تربیت اخلاقی در اخلاق غمخواری و مراقبت این است که انسان تمایل دارد که مورد غمخواری قرار بگیرد. (۲۰۰۲: ۲۹) زمانی که فرد در برابر نیاز یا رنج دیگری احساس می‌کند که «باید» اقدامی انجام دهد، چنانچه این پاسخ از روی میل درونی، رغبت صادقانه و انگیزه عاطفی برخیزد - و نه به دلیل الزام بیرونی یا وظیفه‌ای تحمیل شده - این نوع واکنش را می‌توان نمونه‌ای از غمخواری اخلاقی دانست. در نظریه نل نادینگز، چنین رابطه‌ای زمانی اصیل و اخلاقی تلقی می‌شود که کنش فرد برخاسته از پیوند عاطفی، مراقبت فعال و نوعی اشتیاق برای حضور در زندگی دیگری باشد. در این معنا، غمخواری

نه یک تکلیف عقلانی، بلکه کنشی خودانگیخته و مبتنی بر پیوندی انسانی و همدلانه است. عطار در همین زمینه نقل می‌کند:

حجّت دین‌گر سجل می‌بایدت رحمتی دایم ز دل می‌بایدت
کم نه‌ای آخر ز فرعون لعین رحمتش بر زبردستان می‌بین
(عطار ۱۳۹۹: ۲۰۵)

۳- خوداخلاقی: نادینگز بر این باور است که در تجربه غمخواری، فرد نوعی تکانه درونی برای کنش به سود دیگری احساس می‌کند؛ تکانه‌ای که برخاسته از درک عاطفی رنج، شادی یا نیاز دیگری است. در این وضعیت، فرد به نوعی «فنا در دیگری» را تجربه می‌کند؛ بدین معنا که مرزهای میان خود و دیگری موقتاً کنار می‌رود و احساسات و نیازهای دیگری در مرکز توجه اخلاقی قرار می‌گیرد. با این حال، غمخواری در نظریه نادینگز الزامی قهری یا وظیفه‌محور نیست؛ بلکه کنشگر همواره حق انتخاب دارد که آیا این تکانه مراقبت را بپذیرد یا از آن چشم‌پوشی کند. بنابراین، ارزش اخلاقی مراقبت در این نظریه، نه در اجبار، بلکه در انتخاب آگاهانه و مبتنی بر پیوند عاطفی نهفته است؛ یعنی «ممکن است آنچه را که احساس می‌کنیم، رد کنیم یا بپذیریم.» (نادینگز ۱۹۸۴: ۵)

در چارچوب نظریه نادینگز، افرادی که میل عمیقی به اخلاق دارند، در مواجهه با تکانه‌های درونی برای کنش اخلاقی، آن‌ها را رد نمی‌کنند؛ چراکه این میل از «خود اخلاقی»^۱ آنان نشأت می‌گیرد. خود اخلاقی، تجسمی درونی از تعهد به مراقبت و همدلی است که در صورت فعلیت‌یافتن، به پاسخ‌گویی فعال و داوطلبانه نسبت به نیاز دیگری منجر می‌شود.

عطار در مصیبت‌نامه نمونه‌ای از این گرایش درونی به اخلاق را در روایت دیدار سلطان محمود با پیرزنی برجسته می‌سازد. در این داستان، محمود که به هنگام شکار وارد خانه پیرزن می‌شود، از او طلب طعام می‌کند. زن، با روی گشاده و بی‌چشم‌داشت، از او پذیرایی می‌نماید و با لحنی عاطفی می‌گوید: اگر شوهر بود، به

جای شیر، گاو را برای تو قربانی می‌کرد. سلطان، متأثر از این مهمان‌نوازی صادقانه، ده آن زن را آباد می‌سازد.

این حکایت نمونه‌ای بارز از پاسخ‌گویی اخلاقی برخاسته از مهر و میل درونی به دیگری است که نه بر پایه سود، بلکه بر مبنای همدلی و مراقبت شکل می‌گیرد؛ امری که کاملاً با نظریه اخلاق مراقبت هم‌راستا است:

دولت آمد اصل مردم هوش‌دار	این قدر دولت که داری گوش‌دار
ور نداری گوش آن اندک‌قدر	چشم بد در حال آید کارگر
(عطار ۱۳۹۹: ۳۲۳)	

از منظر نل نادینگز، انسان موجودی است که در بستر روابط انسانی و اجتماعی متولد می‌شود و رشد می‌یابد؛ از اینرو، هر نظریه اخلاقی یا اجتماعی واقع‌گرا باید واجد ظرفیت تقویت جنبه‌های ارتباطی و عاطفی زندگی باشد. رویکرد مطلوب آن است که نه تنها امکان بروز لحظات اصیل غمخواری و مورد غمخواری واقع شدن را فراهم سازد، بلکه زمینه پرورش این احساس اخلاقی را نیز مهیا کند. نادینگز تأکید می‌کند که یک نظریه اجتماعی مؤثر باید به این پرسش بپردازد که چگونه می‌توان غمخواری را به عنوان یک ظرفیت انسانی پرورش داد؟ و در شرایط ناعادلانه و ناکامل جهان، آن را تربیت کرد. پاسخ نادینگز به این مسئله، به‌ویژه در حوزه تعلیم و تربیت، روشن است: غمخواری را نه تنها صرفاً یک واکنش فردی، بلکه به‌مثابه یک منش پایدار اخلاقی در نسل‌های آینده باید نهادینه ساخت. پس «لازم است در تعامل و قضاوت‌های انسان، چیزهای بیشتری بر جای گذاشته شود.» (نادینگز ۱۹۸۴: ۵۰) به قول عطار:

چون نصیبت زین همه یک مایده‌ست	گرد کردن اینهمه بی فایده‌ست
(عطار، ۱۳۹۹: ۲۶۵)	

عادل آن باشد که در ملک جهان	داد بستاند ز نفس خود نهان
نبودش در عدل کردن خاص و عام	خلق را چون خویشتن خواهد مدام
گر به مویی قصد غمخواری کند	خویشتن را سرنگون‌ساری کند
(همان: ۲۱۰)	

بر اساس دیدگاه نادینگز، زمانی که در چارچوب روابط اصیل مبتنی بر غمخواری رفتار می‌کنیم، تصویری اخلاقی از خویشتن شکل می‌گیرد که در ابتدا ناکامل است؛ زیرا این تصویر صرفاً بازتاب ادراک ما از خود به‌عنوان فردی غمخوار است. اما این خودادراکی تنها زمانی به‌کمال می‌رسد که بازتاب آن را در واکنش فرد مورد غمخواری دریافت کنیم. به بیان دیگر، تجربه کامل غمخواری، نیازمند نوعی پاسخ از سوی دیگری است که در آن، مراقبت ما به رسمیت شناخته می‌شود. نادینگز تأکید می‌کند که در بسیاری از روابط، افراد نه تنها در مقام غمخوار ظاهر می‌شوند، بلکه گاه به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که خود نیز مورد غمخواری قرار گیرند؛ چرا که چنین تجربه‌ای بخشی از تعامل دوسویه اخلاق مراقبت و عاملی برای شکل‌گیری «خود اخلاقی» است. بدین ترتیب، روابط اخلاقی مبتنی بر مراقبت، ساختاری تعاملی دارند و کنش اخلاقی اصیل، هم‌زمان در دو سطح بخشش مراقبت و دریافت مراقبت تحقق می‌یابد. «ایده‌آل اخلاقی، تصور خودمان به عنوان یک فرد غمخوار است، این تصور ما را هدایت می‌کند تا تلاش کنیم با دیگران اخلاقی برخورد کنیم.» (موحد و همکاران ۱۳۸۷: ۴۷) عطار، در مصیبت نامه، شیخ زاهر، خطاب به سلطان سنجر بیان می‌دارد: شیخ زاهر گفت بشنو این سخن چون شبانت کرد حق، گرگی مکن (عطار ۱۳۹۹: ۲۱۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

اخلاق مراقبت دارای رویکردی اجتماعی است که بر روابط مراقبتی تمرکز دارد و به عنوان زیرمجموعه‌ای از اخلاق فضیلت تلقی می‌شود، از همین رهگذر جهت‌گیری نظری و عملی اخلاق مراقبت می‌تواند در راستای توسعه ویژگی‌های مراقبتی در انسان‌ها و فرایند رشد شخصیت آن‌ها مفید و مؤثر باشد.

عطار در آثار خود، تصویری آرمانی از نوع بشر ارائه می‌دهد و مخاطبان خود را برای رسیدن به آن مرتبه بشری ترغیب می‌نماید. وی معتقد است که با نهادینه‌شدن اخلاقیات در سرشت آدمی، او به چنین مرتبه‌ای می‌رسد؛ از این دیدگاه، آثار عطار همسانی بسیاری با نظریه اخلاق مراقبت و همدلی نل نادینگز دارد.

براساس دیدگاه عطار و نل نادینگز در اخلاق مراقبت غایت‌گرایی و سعادت‌محوری مطرح است که هر فردی در صورت بهره‌مندی از آن، این کارکرد مخصوص و مورد انتظار را به بهترین شکل ممکن ایفاء می‌کند. مفاهیم و ارزش‌هایی مانند مراقبت و همدلی به عنوان یک ویژگی شخصیتی و یک عنصر انگیزشی در زندگی انسان و مناسبات انسانی اهمیت زیادی دارند.

کتابنامه

- احمدی هدایت و همکاران، ۱۳۹۵. «تحلیل آراء و اندیشه‌های فلسفی تربیتی نادینگز و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی». مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش (۲)، صص. ۱۰۵-۱۳۰.
- دانیالی، عارف، ۱۳۹۳. میشل فوکو: زهد زیبایی‌شناسانه به مثابه گفتمان ضد دیداری. تهران: تیسرا.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه، ۱۴۰۲. «تحلیل فرزندنامه سرایی بر اساس نظریه اخلاق غمخواری نل نادینگز». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، بهار ادب. س (۱۶)، ش (۱۰)، صص. ۱۴۷-۱۶۵.
- _____، ۱۴۰۳. بررسی اخلاق مراقبت در رمان پاییز فصل آخرسال است از نسیم مرعشی از دیدگاه ویرجینیا هلد. همایش ملی مطالعات میان رشته‌ای در ادبیات معاصر فارسی، صص. ۱۷۸-۱۸۷.
- _____، ۱۴۰۳. تحلیل آثار سعدی براساس نظریه اخلاق غمخواری از دیدگاه نل نادینگز. پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی. س (۶)، ش (۱۱)، صص. ۱۶۸-۱۹۴.
- رضائی، پروین، ۱۳۹۹. مصیبت‌نامه عطار نیشابوری؛ آمیزه‌ای از اخلاق عملی و عرفان، (با تکیه بر حکایت‌ها). پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ش (۴۸)، صص. ۲۱-۵۵.

۷۲/ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی — پروانه درویش - فاطمه حیدری - نسترن صفاری...

شمس‌نیا، محمدامین، عبیدی‌نیا، محمّدامیر، خان‌محمّدی، محمّدحسین، ۱۴۰۱. اخلاق نوع‌دوستی در آثار عطار نیشابوری. / اخلاق در علوم و فناوری. ش (۲)، صص. ۲۹-۲۳.

DOR: 20.1001.1.22517634.1401.17.1.5.5

عسگری، فرشته و همکاران ۱۴۰۱. «غمخواری در فرایند آموزش: مؤلفه‌های آموزش غمخوارانه نادینگز و میزان کاربست آن توسط معلمان دوره ابتدایی»، مجله مطالعات برنامه درسی ایران. ش(۶۵). صص ۹۹-۱۳۲.

DOR: 20.1001.1.17354986.1401.17.65.6.4

عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۸۷. الهی‌نامه، به تصحیح محمّدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.

_____، ۱۳۹۰. دیوان عطار. شرح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ هشتم، تهران: نگاه

_____، ۱۳۹۹. مصیبت‌نامه. تصحیح، مقدمه و تعلیقات، محمّدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

_____، ۱۳۹۱. منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمّدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

_____، ۱۳۹۲. سرانامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمّدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

غفاری، ابوالفضل، ۱۳۸۱. «بررسی و نقد رویکردهای فضیلت و غمخواری در تربیت اخلاقی»، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

غفاری، ابوالفضل، ۱۳۸۵. «عاطفه‌گرایی در اخلاق، پیشینه تاریخی تا وضعیت پست‌مدرن»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش(۷۱)، صص. ۱۴۷-۱۹۰.

گنجی، حمزه، ۱۳۸۶. روان‌شناسی عمومی. چاپ سی و نهم، تهران: ساوالان.

موحد، صمد؛ باقری، خسرو و سلحشوری، احمد، ۱۳۸۷. «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمد غزالی و نل نادینگز درباره تربیت اخلاقی»، نشریه اندیشه دینی، شماره ۲۷، صص ۳۹-۶۰.

مهدی‌پور، حسن، ۱۳۹۵. نظریه اخلاق عرفانی عطار نیشابوری. پژوهشنامه عرفان پاییز، ش (۱۵)، صص. ۱۶۵-۱۹۲.

نادری فر، عبدالرضا، پویان، ملکی، ۱۴۰۲. «بررسی روش‌های آموزشی سعدی در گلستان با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت نل نادینگز». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان. ش(۵۹). صص ۲۸-۱.

DOI: 10.71630/parsadab.2023.1028690

ولک، رنه و وارن، آوستن، ۱۳۸۲. *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

English Sources

Held, Virginia (2006) *The Ethics of Care: Personal, Political, and Global*, Published by Oxford University Press, Inc.

Noddings, Nel, (2002) *Starting at Home: Caring and Social Policy*, Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.

Noddings, Nel, (2005) *The Challenge to Care in Schools: An Alternative Approach to Education*, Columbia University: Teachers College Press.

27

Noddings, Nel, (1984) *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education* Berkeley: University of California Press.28.

Noddings, Nel, (1992) *The Challenge to Care in Schools*, New York: Teachers College Press.

Noddings, Nel, (2007) *Teaching Themes of care*. The Center for The Advancement of Ethics and Character. The School of Education, Boston University and The ASCD Chapter Education Network.

Noddings, Nel, (1998). *Philosophy of Education*, Westview Press, A Member of Perseus Books, L.L.C.

Nodding, N. (2013) *Caring A Relational Approach to Ethics and Moral Education*. 2nd Edition, University of California Press.

References (In Persian)

- Ahmadī Hedāyyat and others. (2016/1395SH). “*Tahlīle Ārā va Andīsehā-ye Falsafī-ye Tarbiyyatī-ye Nel Noddings va Naqde ān az Manzare Ta’līm va Tarbiyyate Eslāmī*”. *Journal of Islam and Educational Research*. No. 2. Autumn and winter. Pp. 130-105.
- Asgarī, Ferešte and others. (2022/1401SH). “*Qam-xārī dar Farāyande Āmūzeš: Mo’allefehā-ye Āmūzeše Qam-xārāne-ye Noddings va Mīzāne Kār-baste ān Tavassote Mo’allemāne Dowre-ye Ebtedāyī*”. *Iranian Journal of Curriculum Studies*. No. 65. Pp. 99-132.
- Attār Neyšābūrī, Farrīdo al-ddīn. (2013/1392SH). *Asrār-nāmeḥ*. Introduction, corrections and annotations by Mohammad-rezā Šafī’ī Kadkanī. Tehrān: Soxan.
- Attār Neyšābūrī, Farrīdo al-ddīn. (2011/1390SH). *Dīvāne Attār, Šarḥe Badī’o al-zamāne Forūzān-far*. 8th ed. Tehrān: Negāh.
- Attār Neyšābūrī, Farrīdo al-ddīn. (2008/1387SH). *Elāhī-nāmeḥ*. Ed. by Mohammad-rezā Šafī’ī Kadkanī. 2nd ed. Tehrān: Soxan.
- Attār Neyšābūrī, Farrīdo al-ddīn. (2020/1399SH). *Manteqo al-tteyr*. Introduction, corrections and annotations by Mohammad-rezā Šafī’ī Kadkanī. Tehrān: Soxan.
- Attār Neyšābūrī, Farrīdo al-ddīn. (2020/1399SH). *Mosibbat-nāmeḥ*. Correction, introduction and comments by Mohammad-rezā Šafī’ī Kadkanī. Tehrān: Soxan.
- Dānīyālī, Āref. (2014/1393SH). *Michel Foucault: Zohde Zībāyī-šenāsāne be Mosābe-ye Gofteḡmāne Zede Dīdārī*. Tehrān: Tīsā.
- Ganjī, Hamze. (2007/1386SH). *Ravān-šenāsī-ye Omūmī*. 39th ed. Tehrān: Sāvālān.
- Mahdī-pūr, Hassan. (2016/1395SH). *Nazarīyye-ye Axlāqe Erfānī-ye Attāre Neyšābūrī*. *Autumn Mysticism Research Journal*. No. 15. Pp. 165-192.
- Movahhed, Samad & Bāqerī, Xosrow and Salahšūrī, Ahmad. (2008/1387SH). “*Barrasī-ye Tatbīqī-ye Dīdgāhhā-ye Emām Qazālī va Nel Noddings Darbāre-ye Tarbiyyate Axlāqī*”. *Religious Thought Journal*. No. 27. Pp. 39-60.
- Nāderī-far, Abdo al-rezā and Pūyān, Malekī. (2023/1402SH). “*Barrasī-ye Ravešhā-ye Āmūzešī-ye Sa’dī dar Golestān bā Tekye bar Falsafe-ye Ta’līm va Tarbiyyate Nel Noddings*”. *Dehaqan Educational Literature Research Journal*. No. 59. Pp. 1-28.
- Qaffārī, Abo al-fazl. (2006/1385SH). “*Ātefe-gerāyī dar Axlāq, Pīšīne-ye Tārīxī tā Vaz’īyyate Post-modern*”. *Islamic Studies Quarterly*. No. 71. Pp. 147-190.
- Qaffārī, Abo al-fazl. (2002/1381SH). “*Barrasī va Naqde Rūykardhā-ye Fazīllat va Qam-xārī dar Tarbiyyate Axlāqī*”. Tehrān: Doctoral thesis, Tarbiat Modares University.

Rezā'ī, Parvīn. (2020/1399SH). *Mosībat-nāme-ye Attāre Neyšābūrī: Āmīzeh-ī az Axlāqe Elmī va Erfān (bā Tekye bar Hekāyathā)*. *Journal of Educational Literature Research*. No. 48. Pp. 21-55.

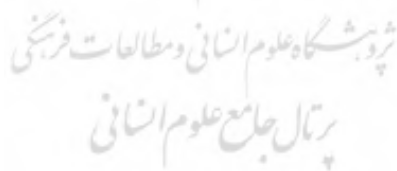
Šams-nīyā, Mohammad-amīn & Abīdī-nīyā, Mohammad-amīr and Xān-mohammadī, Mohammad-hoseyn. (2022/1401SH). *Axlāqe No'-dūstī dar Āsāre Attāre Neyšābūrī*. *Journal of Ethics in Science and Technology*. No. 2. Pp. 23-29.

Wellek, Rene and Warren, Austin. (2003/1382SH). *Nazarīyye-ye Adabīyyāt*. Tr. by Zīyā Movahhed and Parvīz Mohājer. Tehrān: Elmī va Farhangī.

Zabīh-nīyā Emrān, Āsīyyeh. (2024/1403SH). *Tahlīle Āsāre Sa'dī bar-asāse Nazarīyye-ye Axlāqe Qam-xārī-ye Nel Noddings*. *Journal of Interdisciplinary Literary Research*. 6th Year. No. 11. Spring and summer. Pp. 168-194.

Zabīh-nīyā Emrān, Āsīyyeh. (2023/1402SH). “*Tahlīle Farzand-nāme Sorāyī bar-asāse Nazarīyye-ye Axlāqe Qam-xārī-ye Nel Noddings*”. *Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*. 16th Year. No. 10. December. Pp. 147-165.

Zabīh-nīyā Emrān, Āsīyyeh. (2024/1403SH). “*Barrasī-ye Axlāqe Morāqebāt dar Rommāne Pāyīz Fasle Āxare Sāl Ast az Nasīme Mar'ašī az Dīd-gāhe Virginia Held*”. *National Conference on Interdisciplinary Studies in Contemporary Persian Literature*. Gīlān. September. Pp. 178-187.



Perfection and Spiritual Growth in Attār's Works Based on Nel Noddings' Ethics of Care and Empathy

* Parvāneh Darvish

Ph D. Candidate of Persian Language and Literature, IAU, Karaj Branch

** Fātemeh Heidari

The Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran

*** Nasrin Saffāri

The Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran

**** Shahrzād Sheidā

The Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran

Farid al-Din Attār of Neyshabur (540–618 AH) devotes much of his work to the human being, the nature of perfection, and the paths that lead to true felicity. Using a descriptive–analytical method, this study seeks to identify the points of convergence between Attār's notion of human perfection and Nel Noddings' (20th century) views on the ethics of care and empathy as a human-centered value system. In Attār's thought, spirituality occupies a central place in guiding the human being toward perfection and spiritual elevation. According to Noddings, care forms the basis of all human relationships. The findings of this research show that caring relationships, empathy, and attention to the other are fundamental elements in the ethics of care, shaping a person's entire life and organizing all human actions and values around the principle of care. Attār's works likewise reflect the components of care ethics and embody its principal features. In his writings, the ethics of care appears as a moral outlook that contributes to social cohesion and functions as a human value capable of being cultivated in society. As such, it may, alongside other ethical approaches, help address the ethical needs of contemporary communities.

Keywords: Attār of Neyshabur, Mysticism, Nel Noddings, Ethics of Care.

*Email: darvishparvane@gmail.com

Received: 2025/06/22

**Email: fateme_heydari10@yahoo.com

Accepted: 2025/09/23

***Email: safarinastaran@yahoo.com

****Email: shahrzadsheyda@gmail.com